
بسم الله الرحمن الرحيم

ترجمه مقابله ای متون تخصصی

«پژوهش هنر»

گردآورنده: بهاره پدرام‌فر

انتشارات ارشد

پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که درحوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس(منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست نایافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می شدند، که خدشه‌ای بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزهٔ آزمون‌های سراسری – آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری که حائز رتبه‌های تک رقمی کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آیید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای دانشجویان و داوطلبان عزیز را پوشش می‌دهد. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشـــــر

www.arshadbook. ir

فهرست مطالب

عنوان صفحه

Unit 1 7
Unit 2 21
Unit 3 33
Unit 4 49
Unit 5 70
Unit 6 88
Unit 7 109
Unit 8 130
Unit 9 148
Unit 10 182
Unit 11 209
Unit 12 237
Unit 13 255
Unit 14 277
Unit 15 297
Unit 16 317
Unit 17 344
Unit 18 368
Unit 19 390

Unit 1

The Visual elements

If somebody asked you what you see in our first illustration (Figure 1-1), you might say something like “a picture of a vase of flowers on a table.” You know it is not a real vase of flowers or a real table, but a representation in paint on canvas. This is a painting by the American artist Horace Pippin.

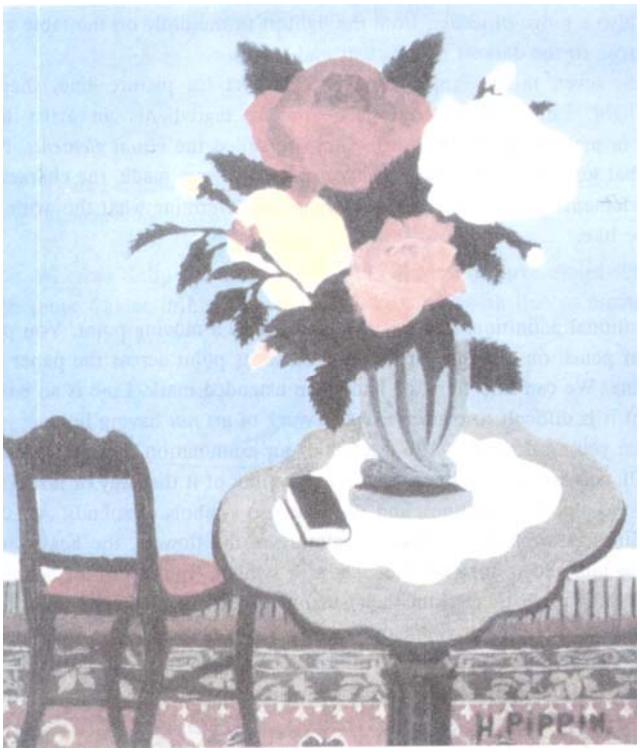
These seven things Pippin used to construct his picture-line, shape, texture, light, value, color, and space-are the ingredients an artist has available in making any work of art. They are called the visual elements. No matter what kind of art, no matter where or when it was made. The character of these elements and the way they are organized determine what the work of art will be like.

عناصر تجسمی

اگر از شما بپرسند در تصویر شماره یک چه می‌بینید (شکل ۱-۱)، شما در پاسخ خواهید گفت. «تصویر گلدان گل بر روی میز». شما می‌دانید که آن گلدان یا میز واقعی نیست، بلکه تنها تصویری بر روی پرده‌ی نقاشی است. این نقاشی، اثر هنرمند آمریکایی الاصلی به نام هوراک پیپین است.

هفت چیزی که پیپین برای کشیدن تصویرش استفاده کرد یعنی خط، شکل، بافت، نور، ارزش نور، رنگ و فضا، ترکیباتی هستند که یک هنرمند در خلق هر اثر هنری در دسترس دارد. به آنها عناصر تجسمی می‌گویند.

اصلاً مهم نیست که دست به خلق چه نوع اثری می‌زنیم، کجا و چه وقتی اثر هنری را خلق می‌کنیم. ویژگی این عناصر و روش سازماندهی آنها تعیین می‌کنند که چه اثر هنری مشابه خواهد بود.



اثر	work	خط	line
کجا	where	شکل	shape
چه وقتی	when	بافت- ترکیب	texture
ویژگی	character	نور	light
سازمان یافته	organized	ارزپش نور	value
تعیین کردن	determine	رنگ	color
موجود	available	فضا	space
		جزء ترکیبی	ingredient

اکنون کمی بیشتر بر روی روش ترسیم نقاشی دقیق شوید. خواهید دید که پیپین از خطوط برای رسم لبه‌های دالبرالشکل میز، از طراحی عمودی برای رسم گلدان، نقش و نگارههای توری شکل، گلبرگهای گل و طرح و حاشیه‌ی قالیچه استفاده کرده است.

او تصاویر گل، گلدان، میز و صندلی را ترسیم کرد و آنها را در مقابل فضای بازو، وسیع دیوار جلوه‌گر ساخت. گلها و برگها، ژولیده و به هم ریخته دارند، که در تضاد با حالت صاف و تخت دیوار و روی میز قرار می‌گیرند. به کار بردن بیش از حد رنگ روشن، جلوه‌ی شادی به نقاشی بخشیده است. پیپین رنگ قرمز و زرد را برای گل‌های رز، سبز تیره را برای برگها و قهوه‌ای را برای قالیچه و آبی فیروزه‌ای را برای رنگ‌آمیزی دیوار به کار گرفت. همچنین طیفی از ارزش نور، از روشنترین رنگ در دستمال روی میز و گل رز زرد کم رنگ تا تیره‌تین در صندلی و برگها وجود دارد.

Now look closer and observe how the painting is constructed. You will see that Pippin has used lines to draw the scalloped edge of the tabletop, the vertical design in the vase, the tracery of flower petals, and the patterns and fringe of the rug. He has created the shapes of flowers, vase, table, and chair, and set them off against the plainer space of the wall behind. The flowers and leaves have a ruffled texture, contrasted with the smooth wall and tabletop. The painting is full of light, which illuminates this cheerful indoor scene. Pippin employs a range of colors – red and yellow for the roses, dark green for the leaves, brown for the rug, a rich turquoise blue for the background wall. There is also a range to values, from the lightest in the doily on the table and the pale rose to the darkest in the chair and leaves.

طرح	pattern	نظر کردن	look
حاشیه	fringe	دقیق‌تر	closer
ایجاد کردن	create	مشاهده کرده	observe
صندلی	chair	دیدن	see
به هم ریخته- آشفته- ژولیده	ruffled	دالبرشکل	scalloped
بافت	texture	لبه	edge
تقابل	contrast (with)	لبه‌ی میز	tabletop
لبریز از	full (of)	عمودی	vertical
پرتوافکندن	illuminate	طراحی	design
بشاش	cheerful	گلدان	vase
داخلی	indoor	نقش و نگار توری	tracery
صحنه	scene	گلبرگ	petal
به کار گرفتن	employ	قالیچه	rug

range	دامنه‌ی تغییر	turquoise	فیروزه‌ای
dark green	سبز تیره	background	زمینه
leave	برگ	value	مقدار
brown	قهوه‌ای	doily	دستمال کوچکِ زیر بشقابی
pale	کمرنگ		

خط

بر اساس تعریف متداول، خط، مسیری است که توسط نقطه‌ای در حال حرکت طی می‌شود.شما قلم را بر روی کاغذ گذاشته و نوک آن را روی کاغذ حرکت می‌دهید تا خط را ترسیم می‌کنید. می‌توانیم به خط به عنوان یک نشانه‌گذاری ممتد نظر بیاندازیم. ارتباط خط با هنر آنقدر بدیهی و روشن است که درک هر اثر هنری بدون داشتن خط غیر ممکن است.

آیا تا به حال به این مسأله توجه کرده‌اید، وقتی نامه می‌نویسید یا امتحان می‌دهید یا، یادداشت برای خود بر می‌دارید، خطوطی ایجاد می‌کنید. حروف الفبا، همان خطوط و نشانه‌های اصوات هستند. هنرمندان، همچنان از خطوط در جایگاه سمبل‌ها استفاده می‌کنند. در نقاشی گلهای پیپین، برای مثال، خط پررنگ اطراف میز به عنوان یک نشانه عمل می‌کند. میزها واقعاً خطوطی ندارند که آن را از اطرافشان جدا کنند. اما در نقطه‌ی برخورد آنها با دیوار یا کف، چشمان ما خط تخیلی را ایجاد می‌کند، بنابراین پیپین، آن خط خیالی و فرضی را در نقاشی‌اش ترسیم کرده است. حالت بخشی به صورت نمادین، یکی از وظایف خط در اثر هنری است.

Line

By conventional definition, a line is the path left by a moving point. You put down your pencil on a sheet of paper and move its point across the paper to make a line. We can also think of line as an extended mark. Line is so basic to art that it is difficult to conceive of any work of art not having lines.

When you sit down to write a letter or an examination paper or a note to yourself, you are making lines, whether you think of it that way or not. The letters of the alphabet are lines, and they are also symbols of sounds. Artists, too, use lines as symbols. In Pippin's painting of the flowers, the heavy line around the table edge, for example, acts as a symbol. Tables do not actually have lines separating them from their surroundings. But at the point where table visually meets wall or floor, our eyes 'see' an imaginary line, so Pippin has drawn that line in his painting. This task of symbolically outlining form is only one of the many functions line performs in a work of art

line	خط	sheet	صفحه
conventional	متعارف	across	در طول
definition	تعریف	think of	تفکر درباره‌ی
move	حرکت کردن	extended	مطول
point	نقطه	mark	علامت‌گذاری
put down	قراردادن	basic	اصلی

آیا تا به حال به این مسأله توجه کرده‌اید، وقتی نامه می‌نویسید یا امتحان می‌دهید یا، یادداشت برای خود بر می‌دارید، خطوطی ایجاد می‌کنید. حروف الفبا، همان خطوط و نشانه‌های اصوات هستند. هنرمندان، همچنان از خطوط در جایگاه سمبل‌ها استفاده می‌کنند. در نقاشی گلهای پیپین، برای مثال، خط پررنگ اطراف میز به عنوان یک نشانه عمل می‌کند. میزها واقعاً خطوطی ندارند که آن را از اطرافشان جدا کنند. اما در نقطه‌ی برخورد آنها با دیوار یا کف، چشمان ما خط تخیلی را ایجاد می‌کند، بنابراین پیپین، آن خط خیالی و فرضی را در نقاشی‌اش ترسیم کرده است. حالت بخشی به صورت نمادین، یکی از وظایف خط در اثر هنری است.

When you sit down to write a letter or an examination paper or a note to yourself, you are making lines, whether you think of it that way or not. The letters of the alphabet are lines, and they are also symbols of sounds. Artists, too, use lines as symbols. In Pippin's painting of the flowers, the heavy line around the table edge, for example, acts as a symbol. Tables do not actually have lines separating them from their surroundings. But at the point where table visually meets wall or floor, our eyes 'see' an imaginary line, so Pippin has drawn that line in his painting. This task of symbolically outlining form is only one of the many functions line performs in a work of art.

حرف	letter	محیط	surrondings
امتحان	examination	تخیلی	imaginary
یادداشت	note	خطوط کلی را ترسیم کردن	outlining form
الفبا	alphabet	وظیفه	function
نشانه	symbol	اجرا کردن	perform
صدا	sound		

کارکردهای خط

خطوط اصلی و فرم در نقاشی سیب السورد کلی را با یک خط باریک و البته دقیق شکل این میوه را شرح می‌دهند. ترسیم کرده است. این حالت در نقاشی طرح کلی نامیده می‌شود.

Functions of line (I)

Outline and form: in ellsworth kelly's drawing apples (figure 1-2), a thin, elegant line describes the shape of the fruit.
This is called an outline drawing.

خطوط اصلی- طرح کلی	outline	طرح کشیدن- نقاشی	drawing
(سبک) موزون، دقیق	elegant	وظیفه	Function
شرح دادن	describe		

There is no shading, no interior detail, and no background. By this amazingly economical line Kelly convinces us that we see a group of rounded apples resting on an invisible surface. As in Pippin's painting, the line creates a boundary. It marks the point where the apples stop and the surrounding area begins. This function of line as outline is extremely important to art.



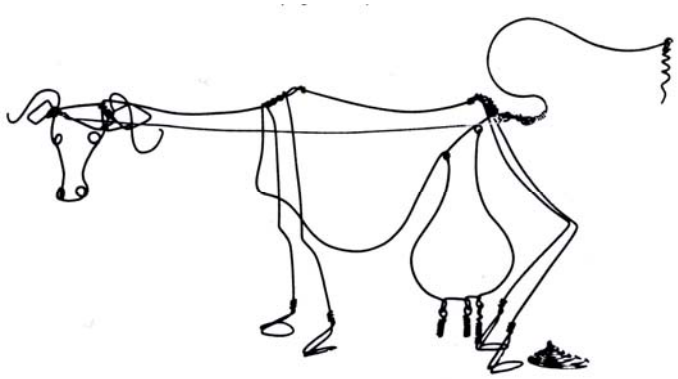
Figure 1-2. Ellsworth Kelly. Apples. 1949. Pencil, $۱۷\frac{۱}{۸}\times۲۲\frac{۱}{۸}''$. Collection, The museum of modern art, NY.

در آن هیچ سایه زنی و هیچ تصویر یا جزء داخلی و هیچ پیش زمینه‌ای به چشم نمی‌خورد. به واسطه این خط شگفت‌انگیز، کِلی تصویر تعدادی سیب گرد را که بر روی سطح نامرئی قرار دارند برای ما ترسیم می‌کند. مانند نقاشی پیپین، خط، مرزی را ایجاد می‌کند. او به واسطه ترسیم خط سیب را از محیط اطرافش، جدا می‌کند. این نقش خط، که خلق طرح کلی است در خلق اثر هنری (نقاشی) بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

shading	سایه زنی	convince	متقاعد کردن
interior	درونی	rounded	گرد
detail	جزئیات	invisible	نامرئی
background	زمینه	boundary	حد
amazingly	به طور شگفت‌انگیزی	extremely	بی نهایت
economical	کوتاه		

Whereas Kelly uses line to create the illusion of three – dimensional form, Alexander Calder in his cow (Figure 1-3), works with line to create a form that is actually three-dimensional. This witty little sculpture consists of a few pieces of wire welded and twisted together-the wire drawing lines in space. Somehow, Calder makes these few thin lines suggest a cow, placidly standing in the pasture, turning her head to gaze with little interest as us, who have interrupted her grazing. Details drawn in line are the key to this sculpture – one great swoop to show the udder, squiggle lines for the dangling teats, the little curl of hair at the end of the tail, the clumsy feet, the …. Cow like expression on the face. Line alone, in the hands of a master like Calder, conveys the essence of the beast.

در حالی که کلی از خط برای ایجاد تصور شکل سه بعدی استفاده کرد، الکساندر کالدر در نقاشی گاو (شکل ۳-۱)، از خط استفاده کرد تا شکلی که واقعاً سه‌بعدی است خلق کند. این مجسمه‌ی کوچک بامزه از تکه‌هایی از سیم که به هم جوش داده شده و به هم تابیده در فضا تشکیل شده است. به نحوی، کالدر با این خطوط باریک، تصویر گاوی را القاء کرد که با وقار در چراگاه ایستاده بود و سرش را با بی علاقه‌گی به طرف ما چرخانده بود. در چشمان ما خیره شده بود، که مزاحم چرایش شده‌ایم. جزئیات کشیده شده در خطوط از قسمتهای اصلی این مجسمه‌ی سیمی به حساب می‌آیند. کالدر از یک قسمت پایین آمده برای نشان دادن سینه‌ی گاو، از خط موجدار برای نشان‌دادن نوک پستان گاو، و حلقه‌ی کوچکی از مو برای نشان دادن انتهای دم و پاهای زمخت گاو استفاده کرده است و ..... این گاو شبیه گاو واغی به نظر می‌رسد.
کالدر تنها به واسطه‌ی خط، حالت یک حیوان چهارپا را القاء کرده است.



چراگاه	pasture
چرخاندن	turn
با دقت نگاه کرن	gaze
هیجان	interest
به هم زدن	interrupt
کلید	key
بزودی پایین آمدن	swoop
نشان دادن	show
پستان	udder
موج‌دار شدن	squiggle
آویزان	dangle
نوک پستان	teat
حلقه	curl
دُم	tail
تنها	alone
چهارپا	beast
شبیه	like
طرح کلی	outline

در حالی که	whereas
ایجاد کردن	create
تصور	illusion
سه‌بعدی	three-dimensional
گاو	cow
واقعاً	actually
بامزه	witty
مجسمه	sculpture
قطعات	pieces
سیم	wire
جوش دادن	weld
پیچیدن	twist
با متانت	placidly
ایستادن	stand
استاد	master
منتقل کردن	convey
اصل	essence
ویژگی	feature

خط به عنوان طرح کلی و فرم (قالب) در اثر هنری کیت هارنیگ، حرف اصلی را می‌زند. هارنیگ، کارش را به عنوان هنرمند گرافیک مترو، شروع کرد. طراحی‌های پررنگ او بر روی دیوارکوب‌های سفید در متروی نیویورک، توجه خیلی‌ها را به خود جلب کرد. طراحی‌های او ساده بودند، مانند کارتن، و تصاویر مشخصی را نشان می‌دادند – تصاویری مانند یک سگ در حال پارس کردن، یک سفینه‌ی فضایی، یک تلویزیون، انسان و تعدادی کودک. خطوط کوتاه و بریده بریده از این شکل‌ها متشعشع می‌شوند. علامت تجاری هارنیگ، نماد سر و صدا و هیجان و خوشحالی و جنبش بود.

Line as outline and form is also central to art by Keith Haring, who began his career as a subway graffiti artist. Long before his name was known, Haring's bold outline drawings on blank poster spaces in the New York subways attracted wide attention (Figure 1-4). The drawings are simple, like cartoons, and they feature instantly recognizable images – a barking dog, a spaceship, a television set. Outline people and babies. Short, choppy lines radiating from the figures-a Haring trademark-suggest noise, energy, happiness, movement, a general exuberance.

There is no deep meaning in these drawings. They are supposed to be fun, to give immediate visual pleasure to the people who see them, as they did to the artist in making them. As his work progressed, Haring was represented by major New York galleries and appeared in important exhibitions, but he continued to draw in the same forceful linear style we see in this example.

هیچ معنای عمیقی در طراحی‌های او وجود نداشت. آنها تنها نوعی سرگرمی بودند و دیدن آنها برای عابرین و رهگذران لذت‌بخش بود، انگار که آنها در خلق این اثرات هنری با هنرمند همکاری داشته‌اند. او با ادامه به انجام طراحی‌های مترو، از طرف گالری‌های مهم و مطرح نیویورک برای ارائه‌ی آثارش، دعوتنامه دریافت کرد، و در نمایشگاه‌های مهم ظاهر شد. اما او همچنان سبک نقاشی خطی‌اش را، مشابه آنچه در این نمونه آمده، حفظ کرد.



also	همچنین	instantly	فوراً
central	مرکزی	recognizable	قابل تشخیص
begin	شروع کردن	bark	وغ وغ کردن
career	دوره‌ی کاری	spaceship	سفینه‌ی فضایی
subway	مترو	choppy	متغیر
known	شناخته شد	radiate	پرتوافکندن
bold	پر رنگ	figure	نقش
blank	سفید - توخالی	trademark	علامت تجاری
attract	جلب – جذب کردن	suggest	القا کردن- پیشنهاد دادن

صدا	noise	عریض	wide
خوشحالی	happiness	توجه	attention
حرکت	movement	ساده	simple
فراوانی	exuberance	عمیق	deep
فوری	immediate	فرض کردن	suppose
لذت	pleasure	جریان	progress
سرگرمی	fun	لذت بردن	enjoy
سبک	style	نمونه	example
ظاهر شدن	appear	خطی	linear
نمایش	exhibition	ارائه دادن	represent
همان	same	ادامه دادن	continue
		موکد	forceful

کارکرد خط (II)

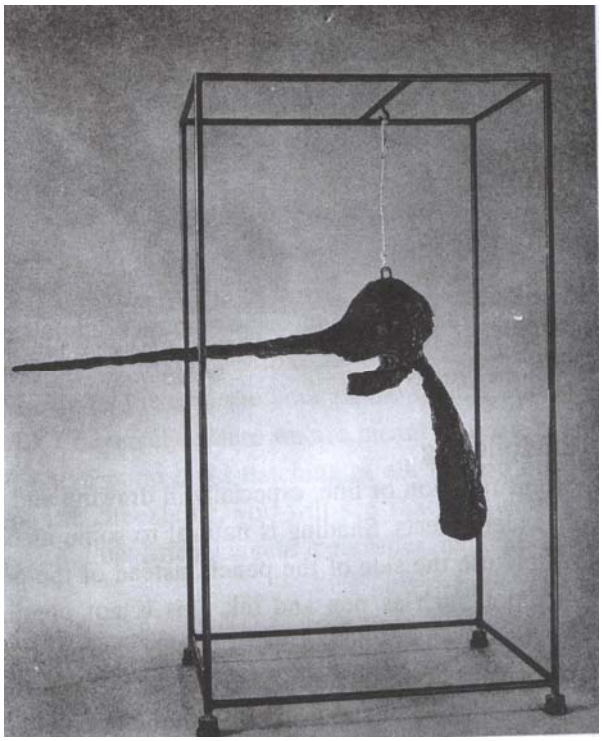
جنبش و تأکید

خط، اغلب، اشاره‌ی ضمنی به جنبش دارد، و این وظیفه‌ی دیگر خط است. هر خطی، به یک جایی می‌رود بنابراین چشم بیننده طبیعتاً آن را دنبال می‌کند. اثر "بینی" آلبرتو گیاکومتی (شکل ۵-۱)، نشان‌دهنده‌ی خط تندیس گون جالب خطی به شکل دماغ پینوکیو است که در اثر دروغ گفتن زیاد، دراز شده است. در این نقاشی، سر و پیکر نیم‌تنه‌ای آویزان شده است، که احتمالاً در داخل قفس به دام افتاده است. دماغ در این تصویر دراز است، که نماد دروغ‌گویی می‌باشد. اصلاً اهمیت نداره که چند بار ما به عنوان یک بیننده بر روی صورت او تمرکز می‌کنیم چون خط تیز دماغ او، ما را دوباره عقب نگاه می‌دارد.

Functions of Line (II)

Movement and Emphasis

Line often implies movement, and this is another of its functions. Every line goes somewhere, so the viewer's eye naturally follows it. Alberto Giacometti's Nose (Figure 1-5) gives us a particularly compelling sculptural line in the form of a Pinocchio figure who has told many lies indeed. The head and torso are suspended, possibly trapped, inside a cage, with only the elongated nose symbol of the liar – projecting outside. No matter how many times we as viewers try to focus on the face, the sharp line of the nose keeps pulling us away again.



چشم	eye	کارکرد	function
بطور طبیعی	naturally	موج	movement
دنبال کردن	follow	تأکید	emphasis
دادن	give	اغلب	often
مخصوصاً	particularly	دلالت ضمنی داشتن	imply
مجبور کردن	compel	این	this
مجسمه‌ای	sculptural	دیگر	another
گفتن	tell	رفتن	go
بسیار	many	هرجایی	somewhere
دروغ گفتن	lie	اینقدر	so
براستی	indeed	بیننده	viewer
احتمالاً	possibly	سر	head
دام	trap	پیکره نیمتنه	torso
درون	inside	آویزان	suspend
ناظر	viewer	قفس	cage
چند بار؟	how many times?	توسعه دادن	Elongate
تیز	Sharp	اهمیت ندارد	no matter
		دور شدن	pull away

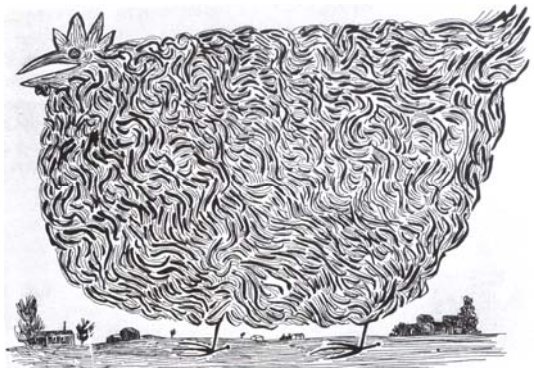
طرح و ترکیب

همچنین، نقش دیگر خط در هنر، ایجاد طرح و بافت است. سائول اشتینبرگ از خط به منظور ایجاد تأثیر عمیق در ایجاد الگو و بافت آراسته‌ی پره‌های مرغ در نقاشی جوهری "مرغ" ش، بهره گرفت (شکل ۶-۱). خطوط تکراری، موج‌دار در هم پیچیده شده در یک الگوی زینتی ترسیم شده‌اند و پرهای زینتی افسانه‌ای را که هر پرنده‌ای به آن مباهات می‌کند نشان می‌دهند. صورت و پاهای مرغ تقریباً اقدام بعدی به نظر می‌رسند که برای تقویت جلوه‌ی این بافت ترسیم می‌شوند.

Pattern and Texture

Yet another function of line in art is the creation of pattern and texture. Saul Steinberg has used line to great effect in creating the ornate texture of chicken feathers in his ink drawing Hen (Figure 1-6). Repeated, interwoven squiggly lines, drawn in a decorative pattern, suggest a fabulous plumage that any bird would be proud of. The face and feet of the hen seem almost an afterthought to this rich display of this texture.

Figure 1-6. saul Steinberg. Hen. 1945. Pen, brush, and India ink; $14\frac{1}{2}\times 23\frac{1}{8}''$. The Museum of Modern Art, NY.



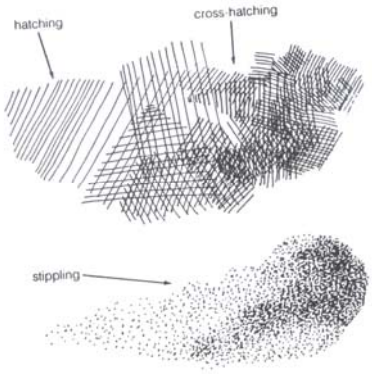
زینتی	decorative	طرح	pattern
پیشنهاد کردن	suggest	ترکیب	texture
افسانه‌ای	fabulous	همچنان، با این حال	yet
پرهای زینتی	plumage	هنر	art
مغرور	proud	ایجاد	creation
رو	face	زیاد	great
پا	feet	تأثیر	effect
به نظر رسیدن	seem	آراسته	ornate
اغلب	almost	پر	feather
اقدام بعدی- پس اندیشه	afterthought	جوهر	ink
پرپشت	rich	مرغ	hen
نشان دادن	display	مکرر	repeated
به طور موج‌دار	squiggly	در هم بافته شدن، در هم تنیدن	interweave

سایه زنی و مدل سازی

یک نقش مهم خط، خصوصاً در نقاشی و اثر چاپی، ایجاد حالات سایه دار است. سایه زنی با تعدادی از وسایل مانند مداد طبیعی است. نقاش به آسانی با استفاده از پهلوی مداد به جای نوک آن، سایه می‌زند. اما با وسایل «تک بعدی» تر مانند خودکار و جوهر، سایه‌زنی ممکن نیست، البته نقاش به وسیله‌ی ترسیم خطوط کوتاه نزدیک به جسم، می‌تواند حالات سایه دار به وجود آورد (شکل ۷-۱). سه نوع تکنیک اصلی وجود دارد. هاشور زنی، منطقه‌ای از خطوط موازی نزدیک به هم و فشرده است. هاشورزنی، که ترسیم خطوط موازی است. هاشورزنی متقاطع شبیه هاشورزنی است با این تفاوت که خطوط موازی مانند یک صفحه‌ی شطرنج باریک همدیگر را قطع می‌کنند. نقطه کاری (زبره کاری) این است که خطوط به نقطه‌ها تبدیل می‌شوند و به هم نزدیکتر یا دورتر می‌شوند.

Shading and Modeling

One very important function of line, especially in drawing and printmaking, is the creation of shaded effects. Shading is natural to some media, like pencil; the artist can simply use the side of the pencil instead of the point. But with a more ‘linear’ medium, such as pen and ink, this is not possible, Instead the artist will create shaded effects by means of closely spaced short lines (Figure 1-7). There are three basic techniques. Hatching is an area of closely spaced parallel lines. Cross – hatching is similar except that the parallel lines intersect like a narrow checkerboard. Stippling means that the lines are reduced to dots and spaced closer together or farther apart.



به وسیله	by mean of	سایه‌زنی	shading
به دقت	closely	مدل‌سازی	modeling
فاصله‌دار	spaced	مهم	important
تکنیک	technique	سایه‌دار	shaded
هاشور زنی	hatching	طبیعی	natural
موازی	parallel	وسیله	media
هاشورزنی افقی	cross – hatching	طرف	side
شبیه	similar	بجای	instead of
استثناء	except	نقطه	point
از وسط قطع کردن	intersect	وسیله	medium
باریک	narrow	ایجاد کردن	create
کم کردن	reduce	صفحه‌ی شطرنجی	checkerboard
نقطه	Dot	با نقطه سایه زدن	stippling
		مجزا	farther apart

غالباً، هدف از سایه‌زنی، مدل‌سازی است، تا خطای حسی شکل گرد، به صورت سه بعدی بر روی سطح صاف، ایجاد شود. این حالت را در اثر Head ofa satyre (سریک موجودینه انسان) میچلانگلو می‌توانیم ببینیم. (شکل ۸-۱) میچلانگلو بعضی از قسمتها را به صورت هاشور زده ترسیم کرده است، خصوصاً موها در طرف راست طراحی، اما بیشتر مدل‌سازی به واسطه‌ی هاشور متقاطع ترسیم شده است. جاهایی که تورفتگی یا فرورفتگی در صورت وجوئد دارد، هاشورزنی متقاطع متراکم‌تری دارند. مثل قسمتهای توخالی یا تو رفتگی چشم و بینی و فک زیرگوش در مقابل، در قسمتهای برجسته، مثل استخوان گونه، از هیچ هاشورزنی متقاطع استفاده نشده است. (اگر انگشتتان را به روی قسمت روشن استخوان گونه قرار دهید، خواهید دید که صورت مسطح‌تر به نظر می‌رسد.) میچلانگو با ترسیم ماهرانه‌ی خطوط، حالت سه‌بعدی سررا القا کرده است.

Often, the goal of shading is to model, or to create the illusion of roundness, of three-dimensionality on a flat surface. We can see this in Michelangelo's Head of a Satyr (Figure 1-8). Michelangelo has drawn some areas of hatching, especially in the hair at the right side of the drawing, but most of the modeling is accomplished by cross-hatching. Areas we are meant to perceive as hollows, or depressions in the face, have the densest cross hatching; the socket of the eye, the back of the nostril, the jawline below the ear, and so forth. Conversely, where we are meant to see a raised area, such as the cheekbone, there is no cross-hatching at all. (If you put your finger over the highlight of the cheekbone, you will see that the face seems flatter.) By the skillful use of line Michelangelo persuades us that the head is three dimensional.

تورفتگی	depression	اغلب	often
متراکم	dense	هدف	goal
حفره	socket	الگو	model
عقب	back	خطای حسی	illusion
سوراخ بینی	nostril	گردی	roundness

jaw	فک	flat	صاف
below	زیر	surface	سطح
so forth	غیره	can	توانستن
conversely	بطور معکوس	satyr	موجود نیمه انسان
raised	برجسته	area	قسمت
cheekbone	استخوان گونه	hair	مو
at all	اصلاً	right	راست
finge	انگشت	Most	بیشترین
highlight	نقاط روش، قسمت‌های روشن	accomplish	انجام دادن
skillful	ماهر	perceive	درک کردن
persuade	وادار- ترغیب کردن	hollow	توخالی



Drawing

The trace left by a tool drawn along a surface particularly for the purpose of preparing a representation or pattern. … Drawing forms the basis of all the arts – architecture, sculpture, painting and many of the crafts.

Drawings from nature made for the purpose of study occur in the oeuvre of Pisanello, who left a very large body of drawings (Louvre).

طراحی

نشانه به واسطه‌ی به کارگیری ابزار هنری بر روی سطح به ویژه به منظور ارائه‌ی جایگزین یا ایجاد الگو خلق می‌شود.... طراحی، پایه‌ی تمامی هنرها – مثل معماری، مجسمه‌سازی و نقاشی و تعدادی از صنایع است.

برای مطالعه‌ی طراحی‌هایی با موضوع طبیعت، می‌توانیم به مجموعه‌ی آثار گرانقدر روغنی پیسانلو مراجعه کنیم که نقاشی‌های زیادی از خود (در موزه‌ی لوور) به یادگار گذاشته است.

تشخیص بین طراحی‌های اولیه و برگهای کتابهای طراحی، در آثار او و دیگر هنرمندان اوایل قرن ۱۵ راحت نیست مگر در جایی که هدف مشخص باشد. در اثر لئوناردو داونچی بود که طراحی، استقلالش را به عنوان ابزار بیان هنرمندانه به دست آورد. لئوناردو در یادداشت‌هایش اشاره‌ی خاصی به نیاز برای وجود راهکار تازه برای طراحی کرده است و به مقایسه‌ی مقوله‌ی طراحی با نسخه‌ی خام شعر زد. موضوع مهم با دوری و خلاقیت است نه تمیزی. در حقیقت طراحی کامل نشده ایده‌ی جدیدی را به هنرمند می‌بخشد.

The Neither in his work, however, not in that of other early 15th-C. masters it is easy to distinguish between preliminary sketches and leaves from pattern books, except where the purpose is obvious. It was in the work of Leonardo Da Vinci that the drawing first achieved independence as a means of artistic expression. In Leonardo's notes specific reference is made to the need for a fresh approach to drawing, which he compared to the rough draft of a poem. What matters is fertility, not tidiness, in fact the unfinished drawing way suggest fresh idea to artist.

معین	specific	طراحی	drawing
مرجع	reference	نشانه	trace
نیاز	need	ابزار	tool
تازه	fresh	به جای مانده	left
رویکرد	approach	در طول	along
نظر	idea	هدف	purpose
پایان نیافته	unfinished	آماده کردن	prepare
ناهنجار	rough	پایه	basis
مقایسه کردن	compare	معماری	architecture
آسان	easy	نقاشی	painting
تشخیص دادن	distinguish	هنر، پیشه	craft
بین	between	طبیعت	nature
مقدماتی	preliminary	بررسی کردن	study
پیش طرح	sketch	بزرگ	large
واضح	obvious	بدنه	body
به دست آوردن	achieve	نتیجه‌بخشی	fertility
استقلال	independence	شعر	poem
حالت	expression		

Unit 2

Characteristics of Lines

Line is such a broad term that it can encompass everything from Liechtenstein's heavy black strokes to the delicate pencil marks of Kelly's apples. The characteristics of any given line have much to do with how that line performs in a work of art. Two important characteristics are direction and linear quality.

Direction

Most of us have instinctive reaction of line, which are related to our experience of gravity. Foal, horizontal lines seem placid, like the garrison line or a body in repose. Vertical lines, like those of an upright body or a skyscraper jutting up from the ground, may have an assertive quality;

ویژگی‌های خطوط

خط، اصطلاح گسترده‌ای است که هر چیزی شود. از خطوط مشکی پر رنگ لیچتنشین تا خطوط مدادی ظریف اثر «سیب» کلی را در بر می‌گیرد. با توجه به ویژگی‌های هر خط مفروض، می‌توانیم نقش آن در اثر هنری را برآورد و تحلیل کنیم.

دو ویژگی مهم خط، جهت و حالت طولی خط است.

جهت

اغلب ما واکنش ناخودآگاهی، در مقابل جهت خطوط دادیم، که این به تجربه‌ی ما از قانون جاذبه‌ی زمین مربوط می‌شود. خطوط صاف و افقی، آرامش بخش به نظر می‌رسند، همانند خط افق یا حالت انسانی که دراز کشیده است. خطوط عمودی، همانند انسانی که ایستاده یا آسمان خراشی که سر به آسمان کشیده است، حالت قاطعی دارند

characteristic	مشخصه	related to	مربوط به
broad	وسیع	experience	تجربه
term	اصطلاح	gravity	گرانش
encompass	احاطه کردن	horizontal	افقی
heavy	سنگین	placid	آرام
stroke	خط، حرکت، چرخش قلم	horizon	افق
delicate	ظریف	vertical	عمودی
perform	انجام دادن	upright	راست
work	اثر	skyscraper	آسمان خراش
direction	جهت	jut up	پیش رفتن
linear	طولی	assertive	جسورانه
quality	کیفیت	defy	به مبارزه طلبیدن
most	اغلب	upward	به طرف بالا
instinctive	غریزی - فطری	thrust	نیرو
reaction	عکس العمل	dynamic	پویا

آنها در نیروی به سمت بالای خود نیروی جاذبه را به مبارزه می‌طلبند. اما اغلب خطوط پویا مورب هستند و اغلب، اشاره‌ی ضمنی به کنش و عمل دارند. یک دونده یا اسکی باز را وقتی در حال دویدن یا پایین آمدن از سر بالایی است را در نظر بگیرید، بدن او به سوی جلو، مایل شده است، تا جایی که حرکت رو به جلو آن را از واژگونی، حفظ می‌کند. خطوط مورب در آثار هنری دقیقاً همین نقش و تأثیر را دارند. به خاطر اینکه خطوط ناپایدار هستند، جنبش و تکاپو را احساس می‌کنیم و ما انتظار داریم که آنها واژگون شوند. برای اینکه ببینیم که چگونه جهت طولی عمل می‌کند. و دو نقاشی که تصویر قایقی در آب را نشان می‌دهند با هم مقایسه می‌کنیم.

they defy gravity in their upward thrust. But the most dynamic lines are the diagonals, which almost always imply action. Think of a runner hurling down the track or a skier down the slope. The body leans forward, so that only the forward motion keeps it from toppling over. Diagonal lines in art have the same effect. We sense motion because the lines are unstable and we half expect them to topple over. To see how linear directon works, let us compare two paintings that both show a boat in the water.

شیب	slope	مورب	diagonal
تکیه کردن	lean	تقریباً	almost
جنبش	motion	عمل	action
واژگون شدن	topple	دونده	runner
ناپایدار	unstable	پیچ دادن	hurtle
انتظار داشتن	expect	مسیر	track
واژگون کردن	Topple	اسکی باز	skier
قایق	Boat	دراز کشیدن	repose

در مسابقه‌ی قایقرانی برادران بیگلن اثر توماس اکینز (شکل ۱-۲)، تقریباً تمامی خطوط افقی هستند. تصویر دو قایق، خطوط ساحلی، امواج آب و سرهای درختان، و حتی ابرهایی که در آسمان به سرعت در حال حرکت هستند، همه با خطوط افقی ترسیم شده‌اند. تنها خطوط قطری پاروها و بازوها و بدنهای پاروزن‌ها، نشان می‌دهد که این یک مسابقه است. اما برای چه یک مسابقه باید اینقدر آرام باشد؟ اکنیز، روح مسابقه‌ی قایقرانی را تسخیر کرده است. مسابقه‌ها، قایق‌هایی با پاروهای بلند و صاف را شامل می‌شوند که دو پاروزن در آن پارو می‌زنند. معمولاً در بستر آرام آب، مسابقه‌ی قایقرانی حالت غیر طبیعی ساده و موثر و گویی قایق به آب راکد و ساکت، چاقو می‌کشد.

In Thomas Eakins’ the biglen brothers racing (Figure 2-1), nearly all the lines are horizontal. The two boats, the shoreline, the ripples on the river, the treetops, even the clouds scuttling across the sky are horizontal. Only the diagonal lines of the oars and rowers’ arms and bodies suggest that this is a race. Why should a race be so placid? Eakins has captured the essence of sculling. Races involving flat, long-oared boats powered by one or two rowers. Usually done on calm bodies of water, sculling has an odd, streamlined quality in the way the boats knife through the still water.

The only apparent motion is in the bodies of the rowers, whose brisk, automaton movement in tandem make them seem, from a distance, like little mechanical toys. Eakins, therefore, has given his painting an overall serenity, broken only by the diagonals of the men.

تنها جنبش و حرکت در بدن پاروزن‌ها مشهود است که حرکت خودکار و سرزنده‌ی قطار مانند آنها در مسابقه، باعث می‌شود که آنها از دور همانند عروسکهای مکانیکی کوچک به نظر برسند. اکنیز، بدین گونه، به نقاشی‌اش نوعی آرامش و صمیمیت بخشیده است که تنها به خاطر حالت اریب بدن مردها این آرامش به هم می‌خورد.



آرام – راحت - متین	placid	تقریباً	nearly
تسخیر کردن	capture	همه	all
ذات - ماهیت	essence	افقی	horizorctal
مسابقه‌ی قایقرانی	sculling	حتی	even
در بر گرفتن	involve	ابر	cloud
صاف – تخت	flat	به سرعت حرکت کردن	scuttle across
مجهز به	powered by	آسمان	sky
معمولا	usually	قطری	diagonal
آرام	calm	پارو	oar
عجیب	odd	پاروزن	rower
ساده و موثر	streamlined	بازو	arm
چاقو	knife	پیشنهاد دادن	suggest

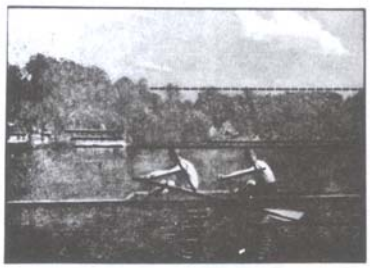
قابل رویت	apparent	ابراهه – مسابقه	race
سرزنده و بشاش	Brisk	باید	should
به قطار، به دنبال هم	tandem	خودکار سازی	automation
کلی	overall	فاصله	distance
عروسک	toy	کم	little
نوک درخت	treetop	شکستن	break
آرامش	serenity	مردان	men
بنابراین	therefore	شکست	break
		مکانیکی	mechanical

نمودار (شکل۲-۲)، تفاوتهای مشهود در جهت خطی و بنابراین تأثیربخشی احساسی، بین اثر ایکنیز و تصویر بعدی را نشان می‌دهد. آرامش آخرین چیزی بود که تئودور گرکالت می‌خواست در اثر کلک مدوسا (شکل۳-۲) القاء کند. اثر گری کولت از یک رویداد واقعی که شکستن کشتی فرانسوی مسودا در آفریقای شمالی در سال ۱۸۱۶ بود الهام گرفته است. تنها تعداد کمی از افرادی که در کشتی بودند، نجات یافتند و تعدادی از آنها به کلک چسبیدند. نقاش لحظه‌ی مهیج رسیدن کشتی نجات به افراد غوطه‌ور در آب را ترسیم کرده است. در واقع، تمامی خطوط در این اثر، از مردانی که خود را به سوی جلو می‌کشند، تا قوس بادبان و بدن مردگان و آنهایی که در پیش زمینه مرده‌اند، همه خطوط مورب هستند. حمله‌ی آنها ،حس موقعیت ناامیدی و بی‌چارگی شان را به خوبی القاء می‌کند طوری که کلک به سوی امنیت در حرکت است. و تمامی این خطوط مورب مهیج به نقطه‌ی اوج می‌رسد که یک خط عمودی است – آن نقطه‌ی اوج، مردی است که به کشتی نجات علامت می‌دهد. استفاده از جهت خط ممکن است آشکار یا پنهان باشد، اما در هر صورت ما در برابر جهت خطوط، واکنش نشان می‌دهیم.

A diagram (Figure 2-2) will help to show the great differences in linear direction, and thus in emotional effect, between Eakins' work and our next illustration. Serenity was the last thing Theodore Gericault wanted for his painting the raft of the medusa (Figure 2-3). Gericault's work is based in an actual event-the wreck of the French government ship medusa off north Africa in 1816. Only a few of those on board survived, some by clinging to a raft. The artist has chosen to depict the dramatic moment when those on the raft sighted a reuse ship. Virtually all the lines in the composition-the men straining forward, the arc of the sail, the bodies of the dead and dying in the foreground-are diagonal. Their thrust reinforces the sense of a desperate situation as the raft plunges toward safety. And all these exciting diagonals built toward the climax of the one vertical-the man signaling to the reuse ship. The use of line direction may be overt of subtle, but we nearly always respond to it.

واقعاً	virtually	نمودار	diagram
ترکیب هنری	composition	کمک کردن	help
تغیر شکل با افزایش طول نسبی	strain	نشان دادن	show
بادبان	sail	بزرگ	great
مرده	dead	تفاوت	difference
مردن	die	بنابراین	thus
پیش زمینه	foreground	تأثیر	effect

between	بین	reinforce	تقویت کردن
want	خواستن	overt	آشکار - علنی
based on	براساس	build	ساختن
event	رویداد	exciting	هیجان آور
Only	تنها	safety	ایمنی
board	گسترده	plunge	فرو کردن
survive	باقی ماندن	situation	موقعیت
cling to	چسبیدن	serenity	آرامش - وقار
raft	کلک	desperate	بیچاره
Depict	ترسیم کردن	sense	حس
dramatic	مهیج	Rescue	نجات
moment	لحظه	ship	کشتی
sight	دید		



a



b

Linear Quality

As with direction, an artist's choice of linear quality dies much to influence the overall impact of the work, including the viewer's emotional response. Lines can be any length, thick or thin or tapered, straight or curved or angular. For example, we might compare the linear quality in three works reproduced here.

ویژگی (حالت) خطی

مانند جهت خط، انتخاب کیفیت خطی (طولی) از دیدگاه نقاش تا حدی بوسیله‌ی تاثیر کلی اثر، شامل پاسخ احساسی ناظر محو می‌شود. خطوط می‌توانند با هر طولی، ضخیم یا باریک، دوکی شکل، مستقیم یا منحنی ترسیم گردند. برای نمونه ما می‌توانیم حالت خطی را در ۳ اثر هنری، با هم مقایسه کنیم.

choice	انتخاب	thick	ضخیم
influence	نفوذ	thin	باریک
overall	کلی	tapered	نوک تیز – دوکی شکل
impact	تأثیر	straight	مستقیم
include	در برگرفتن	angular	زاویه‌ای
response	پاسخ	example	نمونه
length	طول	reproduce	دوباره تولید کردن

درخت سرو، و دوزن در کنار آن، اثر وینست ون گوک است که از خطوط شبیه شعله‌ی مواج کوتاه که سبک طراحی‌های ون گوک است، تشکیل شده است. درختان سرو مواج به نظر می‌رسند و برگهای آنها در باد می‌لرزند و این حرکت آنها از شاخ و برگ ثابت پیش زمینه‌ی با خطوط حلقه‌ای متفاوت است.

A drawing by Vincent van Gogh, cypresses with two women (Figure 2-4), consists almost entirely of short, wavy flamelike lines-a style characteristic of van Gogh's later drawings. The cypress trees seem to be in undulating motion, their leaves perhaps shivering in the wind, and this movement is differentiated form the more stable foreground foliage defined in curling lines.

مواج	undulating	درخت سرو	cypress
جنبش	motion	زنان	women
شاید	perhaps	شامل شدن	consist of
لرزان	shivering	به طور کامل	entirely
باد	wind	کوتاه	short
متفاوت بودن	differentiate	شبیه شعله	flame like
استوار - ثابت	stable	پر موج	wavy
پیش زمینه	foreground	سبک	style
شاخ و برگ	foliage	بعدی	later
تعریف کردن	define	حلقه کردن	curling



اثر هنری ماتیس، که انحنای سر یک زن است، موضوع کاملاً متفاوتی دارد. (شکل ۵-۲). هنرمند، از خطوط منحنی زیبا و ظریف برای ترسیم و الغای حالت بالغ و کامل صورت زن، استفاده می‌کند، خطوط خیلی ظریف هستند و در بعضی قسمتها، محو می‌شوند و جاهای خالی‌ای را ایجاد می‌کنند و باعث ارتباط برقرار کردن بین دو بخش می‌شوند.

Henri Matisse's drawing has a very different subject- the curve of a woman's head (Figure 2-5). The artist has employed elegant, gently curving lines to convey the ripe quality of the form. So delicate are the lines that in places they disappear altogether, leaving a space-and an empty line to connect the two sections.

اثر هنری ماتیس، که انحنای سر یک زن است، موضوع کاملاً متفاوتی دارد. (شکل ۵-۲). هنرمند، از خطوط منحنی زیبا و ظریف برای ترسیم و الغای حالت بالغ و کامل صورت زن، استفاده می‌کند، خطوط خیلی ظریف هستند و در بعضی قسمتها، محو می‌شوند و جاهای خالی‌ای را ایجاد می‌کنند و باعث ارتباط برقرار کردن بین دو بخش می‌شوند.

Henri Matisse's drawing has a very different subject- the curve of a woman's head (Figure 2-5). The artist has employed elegant, gently curving lines to convey the ripe quality of the form. So delicate are the lines that in places they disappear altogether, leaving a space-and an empty line to connect the two sections.
Figure 2-54. Henri Matisse. Study: A woman's Head.

به آرامی	gently	حتمی	very
انتقال دادن	convey	متفاوت	different
بالغ	ripe	انحناء	curve
کیفیت	quality	سر	head
ظریف	delicate	زن	woman
ناپدید شدن	disappear	به کار گرفتن	employ
به جای گذارن	leave	ظریف	elegant
وصل کردن	connect	موضوع	subject



کیفیت خطی خطوط در طراحی اوگن دلاکروکس چقدر متفاوت به نظر می‌رسد؟ (شکل ۶-۲) خطوط تصویر مرگ ساردانا پالوس به سرعت از این طرف به آن طرف کشیده شده‌اند و با انرژی شگرفی در هم پیچیده شده‌اند. تنها با نگاه دقیق به این خطوط آشفته می‌فهمیم که دلاکرویکس آن خطوط به سرعت و بی درنگ ترسیم کرده نه با دقت و از روی عمد. همهمه و آشفتگی احساس باعث بیرون زدن خطوط از لبه‌های کاغذ شد که نظر بیننده را به خود جلب می‌کند.

How different is the linear quality of the lines in Eugene Delacroix's drawing (Figure 2-6)?The lines in study for the Death of Sardanapalus swoop and swirl with tremendous energy. Just by looking at these turbulent lines we know that Delacroix made them swiftly, not with studied deliberation. The emotional tumult all but leaps out of the boundaries of the paper, carrying the viewer along with it.

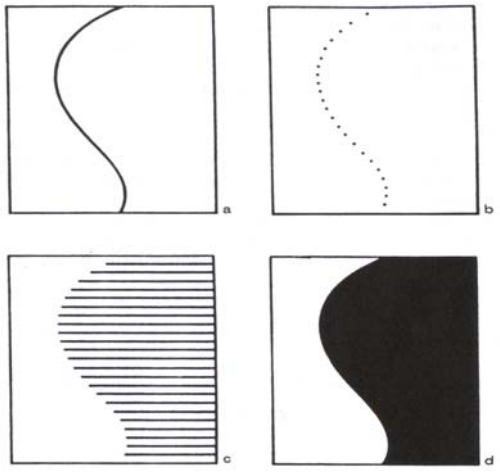
همهمه	tumult	متفاوت	different
بیرون زدن	leap out	خطی	linear
سرحد	boundary	کیفیت	quality
حمل کردن	carry	مرگ	death
به سرعت	swiftly	قاپیدن	swoop
بررسی	deliberation	چرخش	swirl
احساسی	emotional	شگرف	tremendous
دانستن	know	فقط	just
		یاغی	turbulent

انواع خطوط

در فصل‌های قبل، به بررسی خطوط علائم خطی مشهود ایجاد شده با مداد یا رنگ یا هر وسیله‌ی دیگری پرداختیم. در مطالعات مربوط به هنر، انواع مختلف خطوط (شکل ۷-۲) را بررسی می‌کنیم. خطوط واقعی مملوس‌ترین آنها هستند، بنابراین از آنها آغاز می‌کنیم.

Types of lines

The preceding sections have dealt primarily with actual lines-visible marks made in pencil or paint or some other medium. In studying art, however, we often have to take into account other types of lines (Figure 2-7). Actual lines are the most familiar, so we begin with them.



علامت	mark	قبلی	preceding
وسیله	medium	ارتباط داشتن با	deal with
به حساب آوردن	take into account	اصولاً	primarily
شروع کردن	begin	مرئی	visible
آشنا	familiar	هرچند	however
		نوع	type